

من و بازی

سمانه خداوردی

مربی پیش دبستانی دبستان
غیردولتی ریحانه الرسول

بازی عامل مهمی برای سلامت و رشد بدن است و به وسیله آن می توان اصول و قواعد زندگی را آموزش داد. کودک، عاشق بازی است و هر جایی (اتاق، روی میز، حیاط و...) می تواند مکان بازی او باشد. بازی کردن نشانه سلامت کودک است و شاید اگر کودکی بازی نکند، باید به دنبال عوامل آن بود.

کودکان در نخستین بازی های خود، شخصیت خویش را ناخودآگاه بروز می دهند؛ مثلاً از طریق بازی با عروسک آنچه راز والدین خود دیده اند، نشان می دهند و یا رفتار آن ها را تقلید می کنند. بازی می تواند حس کنجکاوی کودک را برانگیزد و او را به تفکر، ابتکار و خلاقیت وادار می کند.

بازی باعث می شود که کودک فرصت برقراری ارتباط و تعامل با دیگران را بیابد و در این روند، تعاملات اجتماعی را تجربه کند. کودک در بازی گروهی همکاری و فعالیت های جمعی را می آموزد و تمرین می کند. در بازی اصول، قواعد و مقرراتی وجود دارد که کودک ناگزیر باید آن ها را بیذیرد و انجام دهد. او در بازی شکست و پیروزی را می فهمد و به تکرار تجربه می کند. این عوامل در بازی، راه و رسم زندگی را به او می آموزند.

در مواردی، بازی با وسیله های که حکم اسباب بازی را دارد، انجام می شود. کودک اسباب بازی های خود را براساس نیاز خویش انتخاب می کند. اگر اولیای کودک می خواهند برای او اسباب بازی تهیه کنند باید در انتخاب آن ها دقت داشته باشند و انواعی را برگزینند که موجب احساس خستگی کودک نشوند، به پرورش ذهن و فکر او کمک کنند و باعث شوند که کودک دست به ابتکار و خلاقیت بزند.

کودک در سنین پایین تر به تنهایی بازی می کند اما در سنین بالاتر دوست دارد برای خود هم بازی داشته باشد. هم بازی های مختلف (سنی و یا جنسی) می توانند در شکل گیری شخصیت کودک نقش مؤثری داشته باشند. اعتماد به نفس، احساس استقلال، مسئولیت پذیری، و بروز احساسات (خشم، خوشحالی، ناراحتی، درد...) در لابه لای بازی ها در کودک رشد می کند.

تنوع بازی ها در رشد همه جانبه کودک تأثیر بسیار دارند. در زمان رشد، بازی های جنبشی و جسمانی باعث تقویت مهارت های جسمی کودک می شود و در بازی های ذهنی، فکر کودک پرورش می یابد و ایده های نو در ذهنش پرورده می شوند.

تغییراتی در شیء به وجود می آید. کودک اسباب بازی هایش را به هم می کوبد تا ببیند از برخورد آن ها با یکدیگر چه صدایی تولید می شود و آن ها از هم چه تأثیری می پذیرند. او شیفته دانستن نتیجه این برخورد است؛ زیرا برخلاف ما، بزرگ ترها تجربه چنین کاری را ندارد. ما این تجربه ها را خواسته یا ناخواسته به دست آورده ایم و دیگر نسبت به این مقوله ها حس کنجکاوی نداریم. ذهن کودک خالی از چنین تجربیاتی است. همه اشیا و رویدادها برای او جدید است و این دانشمند کوچک آماده برای آزمایش کردن و تجربه کردن است و بی صبرانه انتظار می کشد که به نتایجی برسد. علاوه بر این، چند بار هم کارش را تکرار می کند تا تجربه اش را عمیق تر کند. ما هم در کودکی همین کارها را انجام داده ایم. در این میان، بارها بزرگ ترها سرمان داد کشیده اند و دعویمان کرده اند ولی چون ارضای کنجکاوی و یافتن حقیقت و یا حل کردن مسئله ذهنی مان برایمان مهم تر بوده است، همه را به جان خریده ایم.

استاد شهید مطهری مقوله حقیقت را مقوله دانایی یا دریافت واقعیت جهان می نامد. به زعم او در انسان گرایش به کشف واقعیت ها، آن چنان که هستند، وجود دارد. انسان می خواهد جهان را، هستی را، اشیا را آن چنان که هستند، دریافت کند و به واقعیت مجهولاتی که در برابرش هستند، دست یابد. به نظر وی، فیلسوف برای ارضای حس حقیقت جویی اش به دنبال کشف حقیقت می رود.

به زعم استاد، انسان حقیقت جو و حقیقت خواه زاده شده است. حقیقت جویی یکی از ارزش های انسان است. بشر اولیه هم حقیقت جو و حقیقت خواه بوده و در دوره های بعد پیشرفت کرده و حقیقت جوتر و بیشتر از گذشته وابسته به حقیقت شده است؛ چون تکامل یافته است.

با وجود این گرایش و استعداد ذاتی است که انسان هر سختی و بلایی را به جان خریده و به دنبال علم آموزی و شناخت رمز و رازهای جهان رفته است. مقصود از آفرینش او این بوده است که با ابزار جست و جوگری به کمالی که ایده آل خداوند است برسد.

رویکرد برنامه درسی پیش دبستان مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش، رویکرد شکوفایی فطرت است. یکی از جنبه های فطرت حقیقت جویی است. برای تحقق این جنبه مهم فطری، لازم است به کودکان که کنجکاوی و جست و جوگری در سرشت آنان است، فرصت جولان دهیم تا با آسودگی خیال به نیاز اساسی خود که میل به اکتشاف است بپردازند. ما باید وسیله چشیدن طعم لذت کشف را در اختیار کودکان بگذاریم و در مسیر محقق شدن فطرت خدادادی شان همراه آن ها باشیم. باشد که هر چه زودتر به خود حقیقی خویش نائل شوند.

منابع

۱. مطهری، مرتضی؛ فطرت، انتشارات صدرا، ۱۳۹۳.
۲. مولوی، جلال الدین محمد؛ فیه مافیه، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸.
۳. کلیات شمس تیریزی، نشر پیمان، ۱۳۸۱.
۴. مثنوی معنوی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
۵. حاجی زارعی، اسماعیل؛ مجله مطالعات عرفانی و علمی پژوهشی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
۶. حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد؛ دیوان، انجمن خوشنویسان ایران، ۱۳۷۶.